

رویکردی انتقادی به تعارض مبنای قانون گذار در رویش دندان مجنی علیه قبل و بعد از قصاص (موضوع ماده‌های ۴۱۳ و ۴۱۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲)

عبدالعلی توجهی^۱، مجید قورچی بیگی^۲، سهراب بهادری^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۰/۱۰/۹۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۲/۲/۹۹)

چکیده

یکی از مسائل مرتبط با جنایت بر دندان‌ها، مسئله‌ی رویش دندان مجنی علیه قبل و بعد از قصاص است. مسئله‌ای که فقهای امامیه دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی آن ارائه داده‌اند. در این راستا، قانون‌گذار در مواد ۴۱۳ و ۴۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دو رویکرد و حکم متفاوت اتخاذ کرده است. وفق ماده‌ی ۴۱۳ رویش دندان قبل از قصاص موجب سقوط قصاص و محکومیت مرتکب به پرداخت ارش می‌باشد و بر اساس ماده‌ی ۴۱۵ روئیدن دندان بعد از قصاص، مسئولیتی برای مجنی علیه در پی ندارد. این در حالی است که دیدگاه فقهی معیار در این دو ماده یکسان است و این اقتضا دارد که ماده‌های مورد اشاره منسجم باشند. این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، بیانگر آن است که بر پایه‌ی عدم انسجام بین ماده‌های ۴۱۳ و ۴۱۵ یکی از آن‌ها با موازین شرعی مغایرت دارد و در نتیجه اصلاح آن ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: رویش دندان، سقوط دندان، جبران قصاص، استرداد دیه.

۱. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)؛ Email: atavajohi@yahoo.com

۲. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی، Email: majid.begy@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی، گروه حقوق جزا، Email: bahadori.sohrab@ut.ac.ir

۱- مقدمه

در فقه و حقوق اسلامی برای جنایت عمدی بر دندان‌ها، در صورت وجود شروط لازم، قصاص پیش‌بینی شده و در مواردی نیز مرتکب به پرداخت دیه محکوم می‌شود. در این خصوص، یکی از صدمات فراگیری که به دندان‌ها اختصاص دارد، کنده‌شدن آنها می‌باشد. عنصر مهم و تأثیرگذار در تعیین کیفر کنده‌شدن دندان، دو مرحله‌ای بودن رشد دندان‌ها می‌باشد که صدور حکم به قصاص در جنایت عمدی متکی به مشخص شدن رویش یا عدم رویش دندان بعد از جنایت تا قبل از اجرای قصاص است. قانون‌گذار در ماده‌ی ۴۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تأکید بر اینکه رویش دندان تا قبل از قصاص، موجب سقوط قصاص دندان است، چنین مقرر کرده: «اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود، چنانچه تا زمان قصاص، دندان سالمی به جای آن برآید، مرتکب قصاص نمی‌شود. اگر مجنی‌علیه کودک باشد، صدور حکم به مدت متعارف برای رویدن دندان به تأخیر می‌افتد و در صورت رویش دندان یک‌صدم دیه پرداخت می‌شود.» با این حال، همچنان که رویش دندان تا قبل از قصاص، مسئله‌ای تأثیرگذار و مهم تلقی می‌شود، مسئله‌ی دیگر رویدن دندان مجنی‌علیه بعد از قصاص می‌باشد و با توجه به تناسب جرم و مجازات این پرسش مطرح می‌شود که آیا رویدن دندان مجنی‌علیه پس از قصاص یا گرفتن دیه، تغییر حکم قبلی را در پی دارد یا اینکه خیر؟ در این باره، آیا مرتکب می‌تواند استرداد دیه یا جبران دندان مورد قصاص را مطالبه نماید و در نتیجه، در فرض قصاص، مجنی‌علیه غرامت را پرداخت نماید و در فرض اخذ دیه، دیه را برگرداند؟

در قوانین موضوعه تا قبل از سال ۱۳۹۲، در خصوص موضوع رویش دندان بعد از قصاص و اخذ دیه حکمی مقرر نشده بود، لکن این سکوت و خلأ در ماده‌ی ۴۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برطرف شده و قانون‌گذار چنین مقرر داشته است: «اگر دندان مجنی‌علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه برآید، چیزی بر عهده مجنی‌علیه نیست و اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد، دیه نیز بازگردانده نمی‌شود.» این ماده مبتنی بر دیدگاه گروهی از فقهای امامیه می‌باشد، این در حالی است که نظر برخی دیگر از فقها آن است که دیه مسترد و دندان مورد قصاص نیز جبران می‌شود.

با این وجود، چالش بزرگ درباره‌ی رویش دندان مجنی‌علیه، اتخاذ رویکردهای مختلف توسط مراجع قانون‌گذاری و به طور خاص در مرحله‌ی نظارت شرعی و از سوی

نهاد شورای نگهبان می‌باشد. چه آنکه تحلیل نظرات این نهاد بیانگر آن است که رویکردی متضاد درباره‌ی رویش دندان تا قبل از قصاص و روئیدن دندان بعد از قصاص اتخاذ شده است و در این زمینه، بین مواد ۴۱۳ و ۴۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با وجود یکسانی فتوای معیار آن‌ها، انسجام وجود ندارد که این عدم انسجام آثاری را در پی دارد و حداقل نتیجه‌ی آن مغایرت یکی از این دو ماده با موازین شرعی می‌باشد.

اهمیت پژوهش فرارو آنجا روشن می‌شود که با بررسی دیدگاه قانون‌گذار در فرض رویش دندان مجنی‌علیه قبل از قصاص و پذیرش صحت مبنای قانون‌گذار مبنی بر سقوط قصاص (م. ۴۱۳)، روئیدن دندان مجنی‌علیه پس از اجرای قصاص (م. ۴۱۵) به معنای آن است که مجنی‌علیه ملزم است دیه دندان قصاص‌شده را به مرتکب پرداخت کند یا اینکه اگر از قصاص صرف‌نظر کرده باشد و بر دیه مصالحه شده باشد، دیه‌ی تصالحی را مسترد گرداند و خود نیز او مستحق ارش می‌باشد. حال آنکه مقنن در ماده‌ی ۴۱۵ بر خلاف رویکرد ماده‌ی ۴۱۳ حرکت نموده و از حکم دادن بر اساس مبنای آن خودداری و مطلقاً از مجنی‌علیه سلب مسئولیت کرده است.

چنانچه مبنای قانون‌گذار در ماده‌ی ۴۱۳ پذیرفته شود، نتیجه‌ی آن چنین است که حکم ماده‌ی ۴۱۵ صحیح نباشد و از این‌رو، با رویش دندان، قصاص ساقط نشده و حق قصاص برای مجنی‌علیه ثابت باشد. این در حالی است که مقنن در ماده‌ی ۴۱۳ به سقوط قصاص حکم داده و مجنی‌علیه را مستحق ارش دانسته است. این احکام متفاوت ناشی از گزینش دو برداشت متضاد از دیدگاه فقهی معیار قانون‌گذار است.

هر چند که فقهای امامیه در باب قصاص به بحث رویش و عدم رویش دندان پرداخته‌اند و دیدگاه‌های متعددی در این زمینه ارائه شده است ولی پژوهشی که به تحلیل و ارزیابی رویکرد قانون‌گذار در انعکاس دیدگاه‌های فقها در صبغه‌ی قانون پردازد، در بین منابع علمی فعلی دیده نمی‌شود.

بر پایه‌ی این مهم، با توجه به آنکه منشأ اصلی منسجم نبودن رویکرد قانون‌گذار در ماده‌های ۴۱۳ و ۴۱۵ در ذیل ماده‌ی اخیر شکل گرفته است، در این پژوهش، پس از موضوع‌شناسی مسئله به بررسی دیدگاه‌های فقها درباره‌ی ماده‌ی ۴۱۵ پرداخته شده و در گام بعدی متناسب با بحث‌های ارائه شده در خصوص ماده‌ی مورد اشاره، تا آنجا که مفید است به واکاوی دیدگاه قانون‌گذار در خصوص ماده‌ی ۴۱۳ نیز پرداخته می‌شود.

۲- موضوع شناسی

سه مرحله‌ی زمانی برای رویش دندان‌ها قابل تصور است: الف - مرحله‌ی رویش دندان شیری که از شش ماهگی شروع و در شش سالگی پایان می‌یابد و تنها دندان‌های شیری در دهان وجود دارند. ب - مرحله‌ی رویش مخلوط که بازه‌ی زمانی شش تا سیزده سالگی این مرحله را در بر می‌گیرد و در این مرحله دندان‌های دائمی و شیری هر دو در دهان حضور دارند. پ - مرحله‌ی رویش دندان‌های دائمی که این مرحله از دوازده سالگی شروع شده و تا پایان زندگی ادامه دارد. در این زمان تنها دندان‌های دائمی در دهان وجود دارند. [۶، ص ۱۴] ساختمان هر دندان مشتمل بر سه جزء مینا^۱، عاج^۲ و پالپ دندان^۳ می‌باشد. مینا، بافتی سخت، بدون سلول و مرده می‌باشد. در مقابل، عاج بافتی زنده و با قابلیت ارتجاعی است که وظیفه پشتیبانی از مینا را دارد و پالپ نیز بافت نرمی است که عاج را می‌سازد و از آن حمایت می‌کند. از نظر آناتومیکی هر دندان، دارای یک تاج^۴ و ریشه^۵ است. به محل اتصال تاج و ریشه، لبه گردنی^۶ می‌گویند. [۹، ص ۱۲-۱۳] با شروع فرایند تشکیل ریشه دندان، حرکات رویشی دندان آغاز می‌شود و موجب می‌شود که دندان در استخوان فک حرکت کند و این حرکت رویشی تا زمانی که دندان به سطح جونده و عملکردی شدن برسد، ادامه پیدا می‌کند. به‌طور کلی، حرکات رویشی دندان دارای چهار مرحله می‌باشد: الف - تشکیل ریشه. ب - حرکت. پ - نفوذ کردن. ت - تماس در سطح جونده با دندان فک مقابل. [۱۹، ص ۲۹۵-۲۹۶] تعداد دندان‌های شیری بیست عدد می‌باشد که ده مورد از آنها در فک پایین و ده مورد نیز در فک بالا قرار دارند. هدایت کردن مسیر رویش دندان‌های دائمی زیرین از جمله کارکردهای مهم این قبیل دندان‌ها به شمار می‌آید. [۴، ص ۱۴۶] با ریزش و افتادن دندان‌های شیری، دندان‌های دائمی جایگزین آنها می‌شوند که تعداد آنها سی‌ودو عدد می‌باشد [۷، ص ۳۲۱] از آنجا که این سری از دندان‌ها جانشینی ندارند، سری دندان‌های دائمی خوانده می‌شوند. [۱۹، ص ۸۲]

از جمله عوارض ناشی از صدمات دندان‌های دائمی می‌توان به شکستگی تاج یا ریشه دندان، جابجایی دندان، تغییر رنگ دندان و سقوط دندان اشاره کرد. سقوط دندان در حالتی رخ

1. Enamel
2. Dentin
3. Dental Pulp
4. Crown
5. Root
6. Cervical Margine

می‌دهد که دندان به‌طور کامل از حفره‌ی آن (آلوئل) خارج شود. [۴۲، ص ۲۷۰] به بیان دیگر، صدمه‌ی بیرون‌افتادگی^۱ دندان‌های دائمی زمانی به وقوع می‌پیوندد که ریشه دندان تکامل نیافته و بافت‌های نگه‌دارنده دندان بسیار شکننده هستند. در این شرایط، بیرون‌افتادگی دندان با یک ضربه‌ی افقی هم ممکن است. [۱۰، ص ۱۲۷]

با این وجود، تأخیر در رویش دندان‌ها، امری محتمل است و عوامل مادرزادی، سیستمیک و به ویژه عوامل موضعی در این امر تأثیرگذارند. کمبودهای تغذیه‌ای و عوامل ژنتیکی از جمله عوامل سیستمیکی به شمار می‌آیند. عوامل موضعی مانع رویش دندان، متعدّدند که در این زمینه می‌توان به «رانده شدن دندان‌های مجاور برای مسدود نمودن مسیر رویشی» اشاره کرد. همچنین در مواردی با توجه به ازدحام دندان‌ها در فک‌های کوچک، موجب می‌شود که فضای اندکی برای رویش وجود داشته باشد و از این‌رو، با نهفته ماندن دندان مواجه خواهیم شد. از آنجا که رویش دندان‌های مولار سوم در مقایسه با سایر دندان‌ها دیرتر است، فضای موجود در فک کم می‌شود و این قبیل دندان‌ها ظرفیت بیشتری برای نهفته ماندن دارند. دندان نیش بالا نیز رویش دیررسی دارد که غالباً به نهفته ماندن منجر می‌شود. [۹، ص ۳۱۷-۳۱۸]

در قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی به مسئله‌ی رویش یا عدم رویش دندان‌ها پرداخته شده است. متناسب با موضوع بحث این نوشتار، مواد ۴۱۳ و ۴۱۵ قابل اشاره است. در ماده‌ی اخیر به رویدن دندان مجنی‌علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه پرداخته شده است. در این زمینه، هر چند که پس از ریزش دندان شیری و جایگزین شدن دندان دائمی، دوره‌ی دندانی دیگری قابل تصور نمی‌باشد و از این‌رو، احتمال رویش ثانویه دندان دائمی بسیار کم می‌شود و بر این اساس نمی‌توان موضوع ماده‌ی ۴۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را شامل دندان دائمی دانست، ولی باز هم می‌توان مصادیقی برای آن ماده در نظر گرفت. مثلاً تا زمان قصاص، دندانی به جای دندان شیری کودک نروید و رویش دندان با تأخیر مواجه شود. همچنین با توجه به آنکه تکمیل شدن دندان‌های دائمی تا بیست و یک سالگی ادامه دارد [۶، ص ۱۲] و حتی دندان‌های مولار سوم بین هیجده تا بیست و پنج سالگی کامل می‌شوند [۴۴، ص ۱] این مسئله ممکن است درباره‌ی افراد غیر کودک نیز صدق پیدا کند. به‌عنوان نمونه، دندان مجنی‌علیه در بیست و یک سالگی کنده شود و صدور حکم به قصاص به مدت متعارف

1. Avulsion

به تأخیر افتد و با روئیدن دندان مرتکب قصاص شود. با این وجود، پس از قصاص، به دلیل رفع موانعی همچون نهفته ماندن و دیررس بودن دندان، دندان مجنی‌علیه بروید. ذیل ماده‌ی ۴۱۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «اگر مجنی‌علیه کودک باشد صدور حکم به مدت متعارف برای روئیدن دندان به تأخیر می‌افتد و در صورت رویش دندان یک‌صدم دیه پرداخت می‌شود.» با توجه به مطالبی که بیان شد، این بخش از ماده مذکور، به این معنا نیست که دندان شیری صرفاً برای این قبیل افراد [مجنی‌علیه کودک] می‌باشد، بلکه فرد بزرگسال نیز ممکن است تا مدت‌ها دارای دندان شیری باشد. به نظر می‌رسد بر پایه‌ی ترجمه متون فقهی و تغلیب به مجنی‌علیه کودک، به‌عنوان مصداق اتم افراد دارای دندان شیری در این ماده اشاره شده است.

۳- رویش دندان مجنی‌علیه پس از اخذ دیه

فقیهان امامیه دو دیدگاه درباره‌ی رویش دندان دائمی پس از اخذ دیه ارائه کرده‌اند. در ادامه، به تفکیک به آنها پرداخته می‌شود:

۳-۱- نظریه عدم استرداد دیه

مشهور فقهاء قائلند که با رویش دندان بعد از اخذ دیه، دیه بازگردانده نمی‌شود. شیخ طوسی می‌نویسد: اگر دندان اصلی کنده شود و مجنی‌علیه دیه آن را بگیرد و دندان مجنی‌علیه بعد از گرفتن دیه بروید، برگرداندن دیه بر مجنی‌علیه واجب نیست. [۳۲، ج ۵، ص ۲۰۴] این دیدگاه با موافقت دیگر فقهاء نیز همراه شده است. [۱۵، ج ۹، ص ۳۹۰؛ ۲۶، ج ۲، ص ۳۳۰؛ ۲۵، ج ۳، ص ۱۵۸] در این راستا، با آنکه موضوع سخن، پرداخت دیه در جنایت عمدی است، در جنایت غیر عمدی هم چنین حکمی صدق می‌کند. [۳۲، ج ۵، ص ۲۴۴؛ ۳۱، ج ۷، ص ۱۳۹؛ ۱۶، ج ۴، ص ۲۴۸؛ ۱۴، ج ۳، ص ۶۷۵؛ ۳۶، ج ۱۵، ص ۴۲۰؛ ۱، ج ۱۱، ص ۳۵۵]

۳-۱-۱- ادله

قائلان به عدم استرداد دیه به ادله‌ی زیر برای اثبات ادعای خود تمسک جسته‌اند:

الف. ماهیت دندان جدید متفاوت از دندانی است که جنایت بر آن واقع شده و در قبال آن دیه گرفته شده است. دندان رویش‌یافته به‌عنوان نعمت و هبه‌ای جدید از طرف

خداوند دانسته می‌شود و با دندان مورد جنایت ارتباطی ندارد. از همین‌رو، نمی‌توان چنین گفت که دندان جدید همان دندان قبلی مجنی‌علیه می‌باشد تا عدم استحقاق مجنی‌علیه در مورد دیه اخذ شده به اثبات برسد بلکه، نظر به ماهیت متفاوت دندان جدید باید گفت که اگر مجنی‌علیه دیه را گرفته باشد، نسبت به استیفای حقش اقدام کرده است. از این‌رو، دیه گرفته شده در ازای دندان افتاده می‌باشد نه آنکه در قبال دندان جدید باشد. [۱۶، ج ۴، ص ۲۴۸؛ ۳۶، ج ۱۵، ص ۴۲۰]

ب. عادت و غالب بر این دلالت دارد که اگر دندان دائمی بیفتد، رویش مجدد آن ممکن نمی‌باشد و رویش دندان امری خلاف عادت به‌شمار می‌آید. حال اگر دندان دائمی به دلیل ارتکاب جنایتی بیفتد بر اساس همین عادت به پرداخت دیه حکم می‌شود و چنانچه با رویش دندانی جدید مواجه شویم نظر به اتفاقی بودن این پدیده حکم پرداخت دیه به قوت خودش باقی است و اتفاقی بودن رویش دندان عاملی برای بی‌اعتبار دانستن حکم دیه تلقی نمی‌شود. [۳۱، ج ۷، ص ۱۳۹؛ ۱۵، ج ۹، ص ۳۹۰]

پ. در زمینه واجب بودن برگرداندن دیه از سوی مجنی‌علیه بعد از پرداخت دیه به دلیل نیاز است، در حالی که نسبت به این حکم دلیلی ثابت نیست. [۳۲، ج ۵، ص ۲۰۴] از این‌رو، با توجه به فقدان دلیل، برگرداندن دیه جایز نمی‌باشد.

۳-۲- نظریه استرداد دیه

در مقابل، ابن‌براج از معدود فقهای است که مسیر خلاف مشهور را پیموده است. وی چنین می‌نگارد: اگر پیش از مدتی که برای بازگشت دندان در نظر گرفته شده است، دندان بروید، در چنین حالتی مانند دندان غیر دائمی عمل می‌شود. با این حال، در دو حالت اگر دیه دندان گرفته شده باشد و با رویش دندان مواجه شویم، دیه برگردانده می‌شود: الف) دندان کنده‌شده بعد از مدت مشخص شده برای بازگشت دوباره آن مجدداً بروید. ب) به نظر اهل خبره دندان کنده‌شده ابداً باز نگردد ولی پیش از مدت مشخص شده دندان مجنی‌علیه برگردد. [۲۷، ج ۲، ص ۴۸۴]

صاحب جواهر نیز با ابن‌براج همراه شده است. در این زمینه، ایشان در موارد بازگشت دندان مجنی‌علیه در مدت زمان متعارف برای رویش آن قصاص، دیه و ارش را منتفی می‌داند و به تعزیر جانی اعتقاد دارد؛ زیرا اصل عدم ارش است. در ادامه می‌افزاید: با روئیدن مجدد دندان چه در حالت عادی و چه در حالت غیر عادی، قصاص و دیه

ساقط می‌شود. اگر در موردی بازگشت دندان غیر معمول باشد ولی با این حال دندان برگردد مانند حالتی عمل می‌شود که بازگشت دندان معمول است. «فإن غیر المعتاد بعد حصوله یكون كالمعتاد فی الحکم» به‌عنوان نمونه، معمول است که اگر دندان بچه بیفتد، آن دندان دوباره می‌روید، حال اگر موردی رخ داد که دندان بچه بازنگشت، مانند حالتی عمل می‌شود که رویش مجدد دندان معمول نمی‌باشد و لذا در این حالت جانی قصاص می‌شود. بر این پایه، اگر قبل از رویش دندان دیه گرفته شده باشد - همان‌طور که این براج قائل است - مجنی‌علیه باید دیه را به جانی برگرداند. همچنین اگر دیه از جانی گرفته شده بود و جانی قصاص نشده باشد، به طریق اولی باید دیه برگردانده شود. [۴۵، ج ۴۲، ص ۳۸۸-۳۸۹]

وفق این دیدگاه، دندان روئیده شده همان دندان قبلی است نه آنکه دندان جدیدی باشد. لذا دیه‌ی اخذشده مسترد می‌شود؛ زیرا اخذ دیه به‌عنوان بدل دندان بوده است و آن دندان برگشته است و در نتیجه بدل دندان نیز برگردانده می‌شود. [۳۱، ج ۷، ص ۹۹]

۳-۲-۱- ادله

دو دلیل قائلان به استرداد دیه عبارت است از:

۳-۲-۱-۱- بطلان دیه

بی‌تردید با ارتکاب جنایت بر دندان مسئولیت کیفری اعم از قصاص یا دیه ثابت می‌شود. اگر دیه دندان به مجنی‌علیه پرداخت شود، این دیه در قبال همان دندان است. در رویش مجدد دندان باید گفت که دیه گرفته شده بر می‌گردد؛ زیرا دیه در ازای دندانی گرفته شده است که با ارتکاب جنایت از بین رفته است، حال روئیدن دندان به معنای آن است که صدور حکم به دیه صحیح نبوده است. از این‌رو، با بازگشت دندان، دیه به‌عنوان عوض آن نیز باید به جانی برگردد [۲۷، ج ۲، ص ۴۸۴] چراکه مجنی‌علیه استحقاق آن را نداشته است.

۳-۲-۱-۲- عمل به احتیاط

با بازگشت دندان بعد از گرفتن دیه، لازم است که دیه اخذ شده به دندان برگردد؛ زیرا چنین حکمی با احتیاط موافق است. [۲۷، ج ۲، ص ۴۸۴]

۴- رویش دندان مجنی‌علیه بعد از قصاص

فقیهان در مورد رویش دندان بعد از استیفای قصاص نیز دو دیدگاه متفاوت مطرح کرده‌اند:

۴-۱- نظر عدم غرامت

با کندن عمدی دندان کیفر قصاص ثابت می‌شود. اگر مجنی‌علیه نسبت به قصاص دندان جانی اقدام کرد ولی بعد از قصاص، دندانش بروید، به باور برخی از فقها حقی برای جانی ثابت نمی‌شود و ضمانی متوجه مجنی‌علیه نمی‌باشد. [۱۴، ج ۳، ص ۶۴۲؛ ۲۸، ص ۴۴۸؛ ۳۵، ج ۱۰، ص ۸۷؛ ۱۸، ج ۴، ص ۴۵۹؛ ۲۳، ج ۲۹، ص ۳۰؛ ۳۸، ج ۹، ص ۵۲۷] در نگاه این فقها فقدان ضمان مبنی بر فرضی است که دندان جدید هبه‌ای از طرف خداوند باشد و اگر دندان جدید همان دندان کنده شده باشد، حکم متفاوت است. هر چند برخی بر این باورند که با هبه یا بدل بودن دندان رویش‌یافته مطلقاً، چیزی به جانی رد نمی‌شود. [۴۱، ص ۲۳۸]

۴-۱-۱- ادله

ادله‌ی قائلان به عدم غرامت در فرض رویش دندان بعد از استیفای قصاص عبارت است از: الف. ماهیت دندان رویش‌یافته هبه و نعمت جدیدی از سوی خداوند می‌باشد. نمی‌توان پذیرفت که دندان جدید بدل همان دندان از بین‌رفته‌ی پیشین است. با این رویکرد، از آنجا که جنایت بر دندان پیشین واقع شده است، در صورت استیفای قصاص با روئیدن مجدد دندان مسئولیتی متوجه مجنی‌علیه نیست؛ زیرا با ارتکاب جنایت بر دندان قبلی حق قصاص برای مجنی‌علیه ثابت شده است و رویش دندان جدید به گونه‌ای نیست که این حق را از بین ببرد و از این‌رو، استحقاق قصاص برای مجنی‌علیه پابرجاست. [۳۱، ج ۷، ص ۹۹]

ب. اگر در جنایت عمدی دندان دائمی شخصی بیفتد، قصاص بدون هیچ‌گونه اشکالی ثابت می‌شود؛ زیرا معمول آن است که برگشت دندان دائمی ممکن نیست [۴۵، ج ۴۲، ص ۳۸۶]. بر این مبنا، با بازگشت دندان مجنی‌علیه بعد از قصاص حقی برای جانی شکل نمی‌گیرد؛ زیرا از بین رفتن دندان جانی از باب قصاص به دلیل جنایت خود او می‌باشد، جنایتی که کیفر آن قصاص دندان است و دندان جدید دخالتی در حکم قبلی ندارد.

[۳۸، ج ۹، ص ۵۲۷]

۲-۴- نظر پرداخت غرامت

ابن‌براج مانند مسئله‌ی رویش دندان بعد از اخذ دیه به ضمان مجنی‌علیه اعتقاد دارد. به باور وی، اگر جنایتی عمدی بر دندان مجنی‌علیه وارد شود و به قصاص دندان مرتکب حکم شود لکن بعد از استیفای قصاص با روئیدن دندان مجنی‌علیه مواجه شویم، مجنی‌علیه باید دیه دندان قصاص شده را به جانی پرداخت کند. [۲۷، ج ۲، ص ۴۸۴]

صاحب جواهر پس از آنکه حکم موارد غیر معمول در حکم موارد معمول می‌داند، چنین می‌نگارد: اگر پیش از روئیدن دندان، نسبت به استیفای قصاص اقدام شده باشد ولی دندان مجنی‌علیه برگردد، مجنی‌علیه باید دیه دندان را به‌عنوان غرامت دندان بپردازد و اینکه شیخ طوسی، محقق حلی و علامه حلی پرداخت غرامت را نپذیرفته‌اند صحیح نمی‌باشد. همچنین این حکم در موارد اخذ دیه به جای قصاص نیز صدق می‌کند. [۴۵، ج ۴۲، ص ۳۸۹]

۲-۴-۱- ادله

قائلان به پرداخت غرامت به چند دلیل استناد جسته‌اند:

۲-۴-۱-۱- بطلان قصاص

دلیل حکم به مسئولیت مجنی‌علیه در فرض رویش دندان بعد از استیفای قصاص آن است که عودت دندان بیان‌گر عدم ثبوت حق قصاص است و از این‌رو، قصاص واقع شده صحیح نمی‌باشد و لازم است که غرامت به‌عنوان بدل قصاص و در عوض دندان قصاص شده پرداخت گردد؛ زیرا بطلان چنین استیفایی مشخص شده و با بطلان قصاص، مجنی‌علیه استحقاق قصاص دندان جانی را نداشته است. [۳۴، ج ۴، ص ۳۷۸؛ ۴۵، ج ۴۲، ص ۳۸۹؛ ۴۳، ص ۴۱۰]

۲-۴-۱-۲- مطابقت با احتیاط

با رویش دندان جدید پس از قصاص دندان مرتکب دو حالت قابل تصور است: نخست آنکه هیچ غرامتی از سوی مجنی‌علیه به جانی پرداخت نگردد و دوم آنکه دیه دندان قصاص شده به‌عنوان غرامت به جانی پرداخت شود. در رویش دندان جدید بعد از قصاص احتیاط حکم می‌کند که دیه دندان قصاص شده به جانی پرداخت گردد [۲۷، ج ۲، ص ۴۸۴] از این‌رو، عدم مسئولیت مجنی‌علیه خلاف احتیاط است.

۴-۲-۱-۳- تزلزل اصل عدم عودت

در مواردی که به قصاص دندان جانی حکم می‌شود این حکم بر اصل عدم بازگشت دندان مجنی‌علیه مبتنی است. مشروعیت قصاص وقتی است که به اصل مذکور مستند باشد. بر این مبنای روئیدن دندان جدید پایه‌های اصل عدم بازگشت را متزلزل ساخته و لذا استناد به اصل عدم بازگشت دندان برای مشروعیت قصاص دندان صحیح نیست. با خدشه‌دار شدن اصل عدم به ناچار غرامت به‌عنوان بدل قصاص و دیه ثابت می‌شود. [۴۳، ص ۴۱۰]

۴-۲-۱-۴- تعلیل روایت اسحاق بن عمار

تعلیل «إِنَّمَا يَكُونُ الْقِصَاصُ مِنْ أَجْلِ الشَّيْنِ» در ذیل روایت اسحاق بن عمار بر این مطلب دلالت می‌کند. [۲۹، ج ۱۰، ص ۲۷۹] در این زمینه، واکنش فقها نسبت به سند این روایت متفاوت است. برخی از فقها آن را ضعیف دانسته [۲۰، ج ۲، ص ۵۴۴] و در مقابل، گروهی آن را معتبر تلقی کرده‌اند. [۲۱، ج ۴۲، ص ۱۹۷] در این زمینه، عده‌ای دو توصیف «حسن» و «موثق» درباره آن به کار برده [۲، ج ۱۶، ص ۵۹۷؛ ۴۵، ج ۴۲، ص ۳۶۵] و برخی نیز صرفاً «موثق» تلقی کرده‌اند [۳، ج ۱۰، ص ۴۸۱]. در هر حال، قصور سند یا ضعف آن با عمل فقها منجر می‌شود [۱۲، ج ۱۶، ص ۳۲۸-۳۲۹] و بر این پایه، روایت حجت می‌باشد [۳۷، ج ۱۱، ص ۱۷۲]

بر اساس این تعلیل «آنچه موجب قصاص است و قصاص به جهت آن صورت می‌گیرد، همانا عیب و نقصی است که به سبب جنایت پدید آمده است نه مجرد قطع و جدا شدن عضو. چرا که مراد از «شَیْن» در اینجا همان عیب و نقص جسمی است و مراد از عبارت «من أجل الشَّيْن» آن است که قصاص به سبب عیب و نقص جسمی انجام می‌گیرد. عبارت «انما يكون القصاص» نیز ظهور در تعلیل دارد یعنی آنچه سبب و موجب قصاص است و در عین حال متعلق حق مجنی‌علیه بر جانی است، همانا عیب و نقصی است که از فقدان عضوی در بدن حاصل می‌شود.» [۲۴، ص ۳۲۵] بر پایه این تعلیل، هدف از قصاص عیب و کاستی می‌باشد و از این‌رو، با رویش دندان مجنی‌علیه عیب و نقص برطرف می‌شود و با رفع شدن عیب مشخص می‌شود که قصاص واقع شده صحیح نبوده و از آنجا که قصاص شدیدتر از جنایت می‌باشد، مماثلت بین قصاص و جنایت وجود ندارد.

۵- نظر برگزیده

با تأمل در اقوال و ادله‌ای که بیان شد، نکات ذیل قابل‌ارائه است:

یک - در مورد استدلال نخست دیدگاه مشهور مبنی بر هبه بودن دندان جدید باید گفت که کلیت این استدلال قابل پذیرش نمی‌باشد؛ زیرا براساس آنچه در موضوع‌شناسی ارائه شد، بنا بر عوامل متعددی تأخیر در رویش دندان‌ها ممکن است. افزون بر این، در مرحله‌ی شیری و دائمی امکان دندان نهفته نروئیده وجود دارد. بر این پایه، نمی‌توان چنین گفت رویش دندان جدید، در همه‌ی موارد هبه محسوب می‌شود. نکته‌ی دیگر آنکه نمی‌توان زمان خاصی برای هبه بودن دندان جدید در نظر گرفت و حداقل و حداکثری برای آن تعیین نمود. همچنین کلیت خلاف عادت بودن رویش مجدد دندان نیز محل مناقشه است؛ چرا که بر پایه‌ی موضوع‌شناسی روشن شد که در تمام حالات نمی‌توان رویش دندان را خلاف عادت بر شمرد و به دلیل عوامل موضعی، سیستماتیک و ژنتیکی ممکن است که رویش دندان دائمی و شیری با تأخیر مواجه شود.

دو - اینکه رویش دندان مفید بطلان بودن اخذ دیه و قصاص می‌باشد، مبتنی بر این است که دیه فقط در ازای نقص وارده به بدن و دندان مجنی‌علیه می‌باشد. ابتدای دیه بر نقص قابل پذیرش نیست؛ زیرا دیه صرفاً در قبال نقصی نیست که بر بدن وارد می‌آید که در صورت ترمیم آن نقص بتوان به انتفاء موضوع حکم، فتوا داد. همچنین قصاص در این موارد در واقع در مقابل «جنایت» بر دندان بوده و نه در مقابل «دندان» که به واسطه رویش آن، کشف شود که حکم به قصاص باطل بوده است. اخذ غرامت از مجنی‌علیه در حالی که وی حق شرعی خود را در قبال جنایت جانی عملی ساخته، اساساً مطابق احتیاط نیست بلکه، با توجه به اینکه قصاص کیفر جنایت بوده و نه دندان، لذا اخذ غرامت می‌تواند خلاف احتیاط باشد. بنابراین، تنها حق قصاص برای مجنی‌علیه ثابت است که آن را نیز انجام داده و حق خودش را استیفا نموده و بعد از قصاص مسئولیتی متوجه او نمی‌باشد. به بیان دیگر، در این موارد، مقتضی قصاص که قطع عضو می‌باشد، وجود دارد و رویش بعدی و مجدد دندان دلیلی بر سقوط آن نمی‌باشد. تأمل در عبارت برخی فقها کمک‌کننده است. به عنوان نمونه، «و لو أبان الاذن فألصقها المجنیّ علیه فالتصقت بالدم الحارّ وجب القصاص لوجود المقتضى و هو القطع، و لا دلیل علی السقوط بالاتصاق الطارئ: اگر گوش مجنی‌علیه جدا شود و مجنی‌علیه آن را پیوند بزند و سپس پیوند بگیرد، قصاص واجب می‌شود؛ زیرا مقتضی قصاص - قطع - می‌باشد و سقوط قصاص با پیوند بعدی دلیلی ندارد.» [۱، ج ۱۱، ص ۲۱۱] بر این پایه، قصاص بر جنایت و قطع مبتنی است.

درباره تعلیل «إنما یکون القصاص لأجل الشین» می‌توان چنین اشاره کرد که در

لحظه‌ی قصاص عیب و نقص تحقق یافته است و اینکه بعداً با رویش مجدد دندان آن عیب برطرف شود، مفید بطلان قصاص نمی‌باشد.

ممکن است چنین گفته شود که آیه‌ی «السن بالسن و الجروح قصاص» [مائده/۴۵] دلالت دارد که قصاص بین دو عضو و دو دندان واقع می‌شود نه اینکه بین دو جنایت و دو قطع باشد. پاسخ آن است که آیه‌ی مورد نظر و همچنین سایر آیاتی که بر اعتداء به مثل دلالت دارند، صرفاً در مقام تشریح قصاص می‌باشند. بدین معنا که اعتداء در مقابل اعتداء قابل مجازات و قصاص است و از این‌رو، این آیات بر تمام شؤون و کیفیات قصاص دلالتی ندارند. به بیان دیگر، ظاهر آن است که مماثلت در اصل اعتداء و عقاب مورد توجه می‌باشد، به گونه‌ای که قصاص صدق کند. [۴۵، ج ۴۲، ص ۳۴۸؛ ۴۱، ص ۲۳۱] بنابراین، مراد از مماثلت، مماثلت در کیفیت نمی‌باشد، بلکه، مفاد آن به گونه‌ای است که اعتداء بدون پاسخ نباشد و بلکه در مقابل اعتداء، جزاء و عقوبت جاری شود ولی درباره کیفیت اعتداء دلالتی ندارد. [۴۳، ص ۳۶۴]

با این توضیحات، روشن می‌شود ثبوت قصاص صرفاً مبتنی بر اصل عدم بازگشت نیست. مضافاً اینکه رویش مجدد دندان، به هیچ‌وجه اصل عدم بازگشت را متزلزل نمی‌سازد؛ زیرا کارکرد اصل، رهانیدن از حیرت است و اثبات خلاف آن در مواردی به معنی نادرست بودن آن نیست بلکه، صرفاً استثنای بر آن محسوب می‌شود. سه: استدلال به احتیاط مبنی بر استرداد دیه نیز قابل مناقشه است؛ زیرا دقیقاً روشن نیست که احتیاط در استرداد دیه باشد. چه بسا احتیاط مقتضی خلاف این باشد.

۶- رویش دندان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

دقت نظر در تحولات تقنینی مواد مربوط به رویش دندان در جراحات عمدی بیانگر آن است که مراجع قانون‌گذاری دو رویه‌ی متفاوت را در پیش گرفته‌اند. فتوای معیار برای تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت مواد مذکور با موازین شرعی، فتوای امام خمینی (ره) می‌باشد. بر این پایه، ضرورت دارد که ابتدا دیدگاه قانون‌گذار درباره حکم جراحی عمدی در فرض رویش دندان مجنی‌علیه قبل از قصاص تحلیل شود و سپس رویکرد مقنن در فرض رویش دندان بعد از اجرای قصاص مورد ارزیابی قرار گیرد.

۶-۱- رویش دندان قبل از قصاص

در خصوص اینکه آیا رویش دندان قبل از اجرای قصاص عاملی برای سقوط آن به شمار

می‌آید یا اینکه با رویش دندان حق قصاص برای مجنی‌علیه باقی می‌ماند؟ در مصوبه‌ی نخست مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ چنین مقرر شده بود: «اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود، چنانچه تا زمان قصاص، دندان سالمی به جای آن برآید، مرتکب قصاص نمی‌شود». با این حال، اعضای شورای نگهبان در مورد مغایرت یا عدم مغایرت آن موضع یکسانی نداشته‌اند. برخی با تأکید بر عدم سقوط حق قصاص چنین ابراز کرده‌اند که: «بر اساس اطلاق ادله‌ی باب قصاص مانند آیه (۴۵) سوره مائده، در صورتی که دندان شخصی توسط دیگری عمداً کنده شود، با وجود سایر شرایط قصاص، جانی باید محکوم به قصاص شود و رویدن دندان جدید موجب سقوط حق قصاصی نمی‌شود که قبلاً مستقر و ثابت شده است. بر این اساس، این ماده که به عدم قصاص در فرض رویدن مجدد دندان حکم کرده است، مغایر با موازین شرع است.» [۸، ص ۲۳۷-۲۳۸] در مقابل، عده‌ای دیگر تصریح کرده‌اند: «در صورتی می‌توان از اطلاق ادله، حکم به قصاص کرد که دندان مجنی‌علیه از بین رفته و به جای آن دندان دیگری نروید. بر این اساس در جایی که دندان جدیدی برآید، نمی‌توان به استناد اطلاق ادله، حکم به قصاص کرد. بنابراین حکم ماده‌ی مزبور از این جهت فاقد اشکال است. در این فرض، مشهور فقها نیز قائل به عدم قصاص هستند و امام خمینی(ره) نیز بر این اساس و به جهت رعایت احتیاط، حکم به عدم قصاص داده‌اند.» [۸، ص ۲۳۹]

این اختلاف نظر بر پایه‌ی دیدگاه‌های مشهور و غیر مشهور در بین فقهای امامیه می‌باشد. مشهور بر این باورند که اگر قبل از قصاص دندانی برآید، قصاص جایز نیست. در این مسئله تفاوتی بین دندان دائمی و شیری وجود ندارد. [۵، ص ۷۵۷؛ ۳۱، ج ۷، ص ۹۷؛ ۳۰، ۷۶۸؛ ۱۳، ج ۳، ص ۳۸۶؛ ۱۶، ج ۴، ص ۲۲۲؛ ۱۷، ج ۲، ص ۳۰۱؛ ۱۴، ج ۳، ص ۶۴۱؛ ۳۳، ص ۲۷۲؛ ۳۵، ج ۱۰، ص ۸۸؛ ۲۷، ج ۲، ص ۴۸۳؛ ۱۸، ج ۴، ص ۴۵۷-۴۵۸؛ ۱، ج ۱۱، ص ۲۱۶؛ ۱۲، ج ۱۶، ص ۳۳۵؛ ۴۵، ج ۴۲، ص ۳۸۷؛ ۲۳، ج ۲۹، ص ۳۰] با این وجود، به عکس دیدگاه مشهور، برخی از فقها بر این باورند که رویش دندان مجنی‌علیه قبل از قصاص، حق قصاص مرتکب ساقط نمی‌شود. [۲۱، ج ۴۲، ص ۲۰۸؛ ۴۰، ج ۳، ص ۳۷۹؛ ۳۹، ج ۳، ص ۳۵۸] امام خمینی(ره) با اشاره به قول مشهور مبنی بر سقوط قصاص معتقد است که «اشبه» عدم سقوط قصاص می‌باشد. با این حال، سقوط قصاص را موافق با احتیاط می‌داند. وی چنین می‌نگارد: «مسأله ۳۵ لو عادت المقلوعه قبل القصاص فهل يسقط القصاص أم لا؟ الأشبه الثاني، و المشهور الأول، و لا محيص عن الاحتياط بعدم

القصاص: اگر دندان کنده شده قبل از قصاص برگردد آیا قصاص ساقط می‌شود یا اینکه قصاص ساقط نمی‌شود؟ شبهه آن است که قصاص ساقط نمی‌شود ولی مشهور فقها معتقدند که قصاص ساقط می‌شود. برای احتیاط چاره‌ای جز عدم قصاص وجود ندارد.» [۲۰، ج ۲، ص ۵۴۸]

دیدگاه مشهور فقها مورد پذیرش شورای نگهبان واقع شد و مصوبه‌ی مجلس مبنی بر سقوط قصاص در فرض رویش دندان قبل از قصاص خلاف موازین شرع شناخته نشد. [۸، ص ۲۴۰]

۶-۲- رویش دندان بعد از قصاص

امام خمینی(ره) در مورد عودت دندان مجنی‌علیه بعد از اجرای قصاص چنین می‌نویسد: «مسأله ۳۶ لو عادت بعد القصاص فعلیه غرامتها للجانی بقاء علی سقوط القصاص إلا مع عود سنّ الجانی ایضا، و تستعاد الدیة لو أخذها صلحا: اگر دندان مجنی‌علیه بعد از اجرای قصاص برگردد، بنا بر اینکه در فرض رویش دندان قبل از قصاص، سقوط قصاص را بپذیریم، مجنی‌علیه باید غرامت دندان را به مرتکب بپردازد مگر آنکه دندان مرتکب نیز بعد از قصاص برآید [که در این صورت غرامتی پرداخت نمی‌کند] و اگر دیه به تصالح گرفته شده باشد، برگردانده می‌شود.» [۲۰، ج ۲، ص ۵۴۸] چنان‌که مشاهده می‌شود، فتوای امام خمینی(ره) در خصوص پرداخت غرامت و برگرداندن دیه تصالحی بر پذیرش سقوط قصاص در فرض رویش دندان قبل از قصاص متمرکز است.

اعضای شورای نگهبان در خصوص استرداد دیه‌ی تصالحی پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه در مورد مصوبه‌ی مجلس در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۲۷ مبنی بر اینکه «اگر دندان مجنی‌علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه برآید، چیزی بر عهده مجنی‌علیه نیست و دیه نیز بازگردانده نمی‌شود، مگر این‌که مجنی‌علیه دیه را به تصالح گرفته باشد که در این صورت دیه مسترد و مجنی‌علیه، مستحق ارش است» چنین تحلیل کرده‌اند: «حکم مقرر در ذیل مبنی بر استرداد دیه در فرض تصالح طرفین (جانی و مجنی‌علیه)، اگرچه در یکی از مسائل تحریر الوسیله توسط امام خمینی(ره) به آن اشاره شده است ولی همچنان‌که ایشان بیان داشته‌اند، این حکم بر اساس مبنایی است که در فرض عودت دندان، قصاص را ساقط می‌داند. این در حالی است که ایشان در مسئله‌ی قبل [مسئله ۳۵]، در این فرض قصاص را ساقط نمی‌دانند. بر این اساس، طبق نظر ایشان، در فرضی

که دندان مجنی‌علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه برآید، دیه مطلقاً - حتی در فرض تصالح جانی و مجنی‌علیه به اخذ دیه - برگشت داده نمی‌شود. لذا لازم است عبارت «مگر این که مجنی‌علیه دیه را به تصالح گرفته باشد که در این صورت دیه مسترد و مجنی‌علیه، مستحق ارش است» که در تغایر با فتوای امام خمینی (ره) و صدر ماده‌ی مزبور است، از این ماده حذف شود. [۸، ص ۶۵۴] بر پایه این ادعا، این نهاد برای رفع مغایرت مصوبه‌ی مجلس چنین پیشنهاد کرد: «ماده ۴۱۲ اشکال دارد. چنان که به شرح زیر اصلاح شود اشکال رفع می‌گردد: اگر دندان مجنی‌علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه برآید، چیزی بر عهده مجنی‌علیه نیست و اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد، دیه نیز بازگردانده نمی‌شود.» [۸، ص ۶۵۵]

۶-۳- عدم انسجام در فتوای معیار

با توجه به آنچه بیان شد، در مرحله‌ی نظارت شرعی رویکرد یکسانی نسبت به فتوای امام خمینی (ره) اتخاذ نشده است. از این رو، از حیث مبانی و توجه به فتوای معیار انسجامی بین مواد ۴۱۳ و ۴۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشاهده نمی‌شود. در این زمینه، در مواد مورد اشاره دو حکم متفاوت به امام خمینی (ره) نسبت داده شده است. در ماده‌ی ۴۱۳ بخشی از آن فتوا که بر سقوط قصاص دلالت دارد پذیرفته [قول مشهور مطابق با احتیاط در فرض رویش دندان قبل از قصاص] ولی در ماده‌ی ۴۱۵ این رویکرد را برنتابیده و آن بخش از فتوای امام خمینی (ره) که بر بقای قصاص برای مجنی‌علیه دلالت دارد [قول غیر مشهور در فرض رویش دندان قبل از قصاص]، اتخاذ کرده است.

برآیند و اثر این رویکرد دوگانه در خصوص مطالبه‌ی دیه و گرفتن غرامت از سوی جانی در صورت بازگشت دندان مجنی‌علیه پس از قصاص و گرفتن دیه نمایان می‌شود. اگر قانون‌گذار آن مبنا را که در خصوص ماده‌ی ۴۱۳ پذیرفته است، در مورد ماده‌ی ۴۱۵ نیز حفظ کند، نتیجه این یکسانی مبنا آن است که در موارد رویش دندان بعد از اجرای قصاص، مجنی‌علیه غرامت پرداخت می‌کند و دیه‌ی تصالحی نیز برگردانده می‌شود. چنانچه مبنا ماده‌ی ۴۱۳ صحیح نباشد و به عبارتی حکم فعلی ماده‌ی ۴۱۵ صحیح باشد، اثر مهم آن است که ماده‌ی ۴۱۳ دارای اشکال است و لذا رویش مجدد دندان موجب حفظ حق قصاص برای مجنی‌علیه می‌باشد نه آنکه حق قصاص ساقط

شده و مجنی‌علیه مستحق ارش باشد.^۱ بر این اساس، در عین آنکه مبنا واحد است ولی احکام متفاوتی جعل شده است. رویکردی که باعث شده دو ماده مورد اشاره هماهنگ نباشند. در این راستا، لازم به ذکر است که امروزه تضمین کیفیت قوانین از نظر قابلیت فهم و انسجام آنها برای همه مردم در پرتو توجه به اصل شفافیت در قانون‌نگاری به دست می‌آید. به این معنا که در تدوین قانون طوری عمل شود که مواد آن دارای انسجام بوده و به تفسیر کمتری نیاز باشد. [۴۶، ص ۱۱۱-۱۱۲]

۶-۴- مصداق دیه

در ماده‌ی ۴۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از یک طرف، در صدر آن به طور عام به گرفتن دیه اشاره شده و آمده است: «اگر دندان مجنی‌علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه بروید، چیزی بر عهده مجنی‌علیه نیست» و از سوی دیگر، در ذیل آن یکی از مصادیق خاص اخذ دیه یعنی «دیه به جهت عدم امکان قصاص» مطرح و مقرر شده است: «اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد، دیه نیز بازگردانده نمی‌شود.» این عبارت‌پردازی به صورت ذکر خاص بعد از عام موجب شده است که برخی چنین پندارند که: «در مورد دیه‌ای که در قسمت اول ماده آمده است و یا رویش مجدد دندان، مجنی‌علیه مکلف به استرداد آن به جانی نیست، ظاهراً دیه در قبال مجازات قصاصی است که به دلیل عدم امکان اجرای قصاص به دیه تبدیل شده است.» [۲۲، ج ۲، ص ۳۳۴] بر اساس این ادعا، ماده‌ی ۴۱۵ فقط در مقام بیان حکم فرضی است که دیه به علت ممکن نبودن قصاص اخذ می‌شود و نسبت به سایر مواردی که دیه به دلیل غیر از عدم امکان قصاص گرفته می‌شود، ساکت است. به عنوان نمونه، وفق ماده ۴۱۳ اگر مجنی‌علیه کودک باشد و در مدت متعارف دندان کودک بروید، مرتکب به پرداخت یک‌صدم دیه محکوم می‌شود. نمونه دیگر حالتی است که با توافق مجنی‌علیه و مرتکب به پرداخت دیه حکم شود و دیه به جهت تصالح گرفته شود.

به نظر می‌رسد این ادعا بی‌پایه باشد؛ زیرا «اصل بر احترازی بودن قیود و تأسیسی

۱. با آنکه برای تعیین حکم صائب در این زمینه لازم است که در مجالی گسترده‌تر، مسئله‌ی رویش دندان قبل از قصاص مورد واکاوی قرار گیرد، در هر حال، نتیجه آن تحقیق از دو حالت خارج نمی‌باشد: نخست آنکه حکم فعلی ماده‌ی ۴۱۳ صحیح باشد که بر این اساس، حکم فعلی ماده‌ی ۴۱۵ محل اشکال است. دوم، حکم ماده‌ی ۴۱۳ صحیح نباشد که بر این مبنا، نفس ماده دارای اشکال است و حکم ماده‌ی ۴۱۵ فاقد ایراد می‌باشد.

بودن کلمات قانون است، هر واژه قانون باید معنای خاصی داشته باشد، نه اینکه تکرار مطالب دیگر باشد.» [۱۱، ص ۱۱۰] بنابراین، اگر مراد از دیه در صدر ماده، دیه به جهت عدم امکان قصاص است، نیازی به عبارت فقره‌ی پایانی ماده نمی‌باشد، حال افزوده شدن «دیه به جهت عدم امکان قصاص» بیانگر روی‌گردانی از عبارت پیشین و روی‌آوردن به نظری جدید است.

با آنکه در تحلیل تحولات تقنینی مشخص شد که دیه تصالحي نیز یکی از مصادیق می‌باشد ولی برای برون‌رفت از این ابهام می‌توان ماده را چنین تفسیر کرد که گرفتن دیه در صدر ماده به قدر متیقن اشاره دارد و مصادیقی مانند دیه تصالحي و یک‌صدم دیه در فرض رویش دندان مجنی‌علیه کودک را در بر می‌گیرد. با این حال از آنجا که ممکن است در مواردی موانعی مانند عدم دسترسی به مرتکب، اجرای قصاص را با مشکل مواجه سازد و در نتیجه قصاص به دیه تبدیل شود، به طور خاص به عدم استرداد دیه به جهت عدم امکان قصاص نیز تصریح شود.

نتیجه‌گیری

فقه‌های امامیه درباره‌ی رویش دندان مجنی‌علیه قبل و بعد از قصاص اختلاف نظر دارند. در این راستا، قانون‌گذار در ماده‌ی ۴۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در فرض رویش دندان قبل از قصاص، از دیدگاه فقهی‌ای متأثر شده که قصاص را ساقط و مجنی‌علیه مستحق ارش می‌باشد و در ماده‌ی ۴۱۵ همین قانون، در فرض رویش دندان مجنی‌علیه بعد از قصاص و گرفتن دیه، دیدگاه فقهی عدم استرداد دیه و پرداخت غرامت انعکاس یافته است. دقت نظر و بررسی مبنای قانون‌گذار بیانگر آن است که با وجود آنکه مبنای این دو ماده یکسان می‌باشد، دو حکم متغایر با یکدیگر پذیرفته شده است. اگر مبنای فعلی ماده‌ی ۴۱۳ صحیح باشد، خروج از آن مینا در ماده‌ی ۴۱۵ قابل مشاهده است که اصلاح این ماده را ضروری می‌نمایاند و چنانچه آن مینا صحیح نباشد، نفس ماده‌ی ۴۱۳ محل نقد و مناقشه می‌باشد که ضرورت مورد اشاره نیز در اینجا نمایان می‌شود. بر این اساس، شایسته است که در پرتوی مبنای قانون‌گذار، دو حکم منسجم و یکسان در موضوع مورد بحث تقنین یابد.

منابع

- [۱] اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. ۱۱ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲] اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۶ ق). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. ۱۶ جلد، قم، انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی - ره.
- [۳] اصفهانی، محمد تقی (۱۴۰۶ ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. چاپ دوم، ۱۴ جلد، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- [۴] ایزدی، جلیل؛ صالح زاده، ثریا (۱۳۹۷ ش). شناخت آناتومی و مورفولوژی دندان. تهران، آرتین طب.
- [۵] بغدادی محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ ق). المقنعة. قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید(ره).
- [۶] بهناز، حسن؛ شفق، ایرج (۱۳۸۳ ش). آناتومی و مورفولوژی دندان (تئوری - عملی). تهران، شایان نمودار.
- [۷] بی جی جنسن ون رنسیبرگ (۱۳۸۸ ش). بیولوژی دهان و دندان. مترجم: آذر، دربندی؛ حسن، سمیاری؛ پروین، قدمی؛ تهران، آزما.
- [۸] پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۷ ش). مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲. تحقیق و تنقیح: محمدهادی، توکل‌پور؛ مصطفی، مسعودیان؛ کاظم کوهی اصفهانی؛ تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
- [۹] تن کیت؛ آنتونی نانسی (۱۳۹۶ ش). بافت‌شناسی دهان (رشد و نمو ساختار و اعمال) با اطلس رنگی. مترجم: فریده اعتصام؛ مهسا، محمدزاده؛ ویرایش هفتم، تهران، حیدری.
- [۱۰] جی. او. اندریاسن؛ اف. ام. اندریاسن (۱۳۸۴ ش). مبانی صدمات ناشی از ضربه به دندان. مترجم: شجاع، شکرالهی، تهران، شایان نمودار.
- [۱۱] حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵ ش). بایسته‌های تقنین. چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۱۲] حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ ق). ریاض المسائل. ۱۶ جلد، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- [۱۳] حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. چاپ دوم، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۴] حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۵] _____ (۱۴۱۳ ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. چاپ دوم، ۹ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۶] حلّی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام. چاپ دوم، ۴ جلد، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۱۷] _____ (۱۴۱۸ ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیة. چاپ ششم، ۲ جلد، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة.

- [۱۸] حلی، مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۰۴ ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. ۴ جلد، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی - ره.
- [۱۹] حیدری، زهرا؛ محمودزاده، حمیدرضا (۱۳۹۱ ش). تکامل و بافت‌شناسی دهان و دندان. تهران، شایان نمودار.
- [۲۰] خمینی، سید روح‌الله موسوی (۴). تحریر الوسيلة. ۲ جلد، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- [۲۱] خویی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲ ق). مبانی تکملة المنهاج. ۴۲ جلد، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
- [۲۲] زراعت، عباس (۱۳۹۳ ش). شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی بخش قصاص. چاپ دوم، ۲ جلد، تهران، جاودانه.
- [۲۳] سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ ق). مهذب الأحكام. چاپ چهارم، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیة الله.
- [۲۴] شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۱۹ ق). بایسته‌های فقه جزا. تهران، نشر میزان - نشر دادگستر.
- [۲۵] صیمری، مفلح بن حسن (حسین) (۱۴۰۸ ق). تلخیص الخلاف و خلاصة الاختلاف - منتخب الخلاف. ۳ جلد، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی - ره.
- [۲۶] طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ ق). المؤلف من المختلف. ۲ جلد، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
- [۲۷] طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز (۱۴۰۶ ق). المهذب (لابن البراج). ۲ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۸] طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ ق). الوسيلة. قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی - ره.
- [۲۹] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحكام. چاپ چهارم، ۱۰ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- [۳۰] _____ (۱۴۰۰ ق). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی. چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- [۳۱] _____ (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. چاپ سوم، ۸ جلد، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- [۳۲] _____ (۱۴۰۷ ق). الخلاف. ۶ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳۳] عاملی شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ ق). اللمعة دمشقیة. بیروت، دار التراث - الدار الإسلامية.
- [۳۴] _____ (۱۴۱۴ ق). غاية المراد فی شرح نکت الإرشاد. ۴ جلد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۳۵] عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة. ۱۰ جلد، قم، کتابفروشی داوری.
- [۳۶] _____ (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. ۱۵ جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.
- [۳۷] عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۴). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - القديمة). ۱۱ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

- [۳۸] عاملی، سید محمد حسین ترحینی (۱۴۲۷ ق). الزبدة الفقهية. چاپ چهارم، ۹ جلد، قم، دار الفقه للطباعة و النشر.
- [۳۹] قمی، سید صادق حسینی روحانی (؟). منهاج الصالحین (لرروحانی). بی‌جا، ۳ جلد، بی‌جا، بی‌نا.
- [۴۰] کابلی، محمد اسحاق فیاض (؟). منهاج الصالحین (للفیاض). بی‌جا، ۳ جلد، بی‌جا، بی‌نا.
- [۴۱] کاشانی، حاج آقا رضا مدنی (۱۴۱۰ ق). کتاب القصاص للفقهاء و الخواص. چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴۲] گودرزی، فرامرز؛ کیانی، مهرزاد (۱۳۹۴ ش). پزشکی قانونی برای دانشجویان حقوق. تهران، سمت.
- [۴۳] لنگرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۱ ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - القصاص. قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
- [۴۴] معظمی، سیدمصطفی؛ توکلی‌زاده، سارا؛ مجیدی‌نیا، سارا؛ محمودی هاشمی، الهه؛ حاجی‌زاده، هیلا (۱۳۹۴ ش). آناتومی و فورمولوژی دندان. تهران، رویان پژوه.
- [۴۵] نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. چاپ هفتم، ۴۳ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۴۶] ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰ ش). «امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی». راهبرد، تهران، سال بیستم، شماره ۵۸، بهار، ص ۱۱۱-۱۱۲.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی